

تار و پود فرهنگ

درآمدی بر نظریه نشانه شناختی یوری لوتمان

الکسی سیمینکو

مترجم: حسین سرفراز



تار و پود فرهنگ

درآمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان

الکسی سمنکو

مترجم: حسین سرفراز



۱۳۹۶

تار و پود فرهنگ

درآمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان

نویسنده: الکسی سِمننکو

مترجم: حسین سرفراز

چاپ نخست: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش

خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان،

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷-۱۵۱۷۵

تلفن: ۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲

تلفن مرکز پخش: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵-۸۸۶۷۷۵۴۴

www.elmifarhang.ir

info@elmifarhang.ir

www.ketabgostar.com

info@ketabgostar.com

Semenenko, Aleksei

سرشناسه: سِمننکو، آلکسی

عنوان و نام پدیدآور: تار و پود فرهنگ: درآمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان / نویسنده:

الکسی سِمننکو؛ مترجم: حسین سرفراز.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: شانزده، ۲۰۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۹۹۰-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: The Texture of Culture: An Introduction to Yuri Lotman's Semiotic Theory, 2012.

عنوان دیگر: درآمدی بر نظریه نشانه‌شناختی یوری لوتمان.

موضوع: لوتمن، یوری میخائیلوویچ، ۱۹۲۲ - م. Lotman, IUrii Mikhailovich

موضوع: نشانه‌شناسی فرهنگ -- الگوهای نشانه‌شناسی

موضوع: نشانه‌شناسی و ادبیات رسانه‌های گروهی

شناسه افزوده: سرفراز، حسین، ۱۳۶۴ - مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۵ س ۸/۸۵

رده‌بندی دیویی: ۴۰۱/۴۱۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۹۶۷۰۶

این ترجمه را تقدیم می‌کنم به استاد
دکتر احمد پاکتچی، که تارِ شناخت
مرا با بودِ فرهنگ و نشانه‌شناسی بافته
است.



فهرست مطالب

مقدمه	یازده
فصل اول: زمینه‌ها	۱
فصل دوم: فرهنگ به مثابه سیستم	۱۹
فصل سوم: فرهنگ به مثابه متن	۸۵
فصل چهارم: سپهرنشانه‌ای	۱۲۹
فصل پنجم: ذهن جهان‌شمول	۱۴۷
نتیجه‌گیری: عالم به مثابه یک متن	۱۷۱
پی‌نوشت‌ها	۱۷۳
منابع	۱۸۵
فهرست اعلام	۲۰۵

فهرست جدول‌ها و شکل‌ها

- جدول ۱-۱. خلاصه‌ای از زندگی‌نامه یوری لوتمان ۳
- جدول ۱-۳. سنخ‌شناسی فرهنگ‌ها ۱۰۹
- جدول ۱-۵. تخصص‌های نیم‌کره‌ای ۱۶۳
-
- شکل ۱-۱. یوری لوتمان ۱۳
- شکل ۲-۱. طرح جلد مجله مطالعات نظام‌های نشانه‌ای ۱۳
- شکل ۱-۲. الگوی سوسور از چرخه گفتار ۲۱
- شکل ۲-۲. مدل رومن یا کوبسون از کنش گفتاری ۲۲
- شکل ۳-۲. از اندیشه به اندیشه ۲۴
- شکل ۴-۲. ترجمه معکوس ۲۵
- شکل ۵-۲. نشانه محدودیت سرعت در سوئد ۲۶
- شکل ۶-۲. کارکرد خلافت متن ۲۷
- شکل ۱-۳. رابطه متن با فرهنگ ۱۰۴
- شکل ۲-۳. شمایل «یوریک بینوا» ۱۲۳
- شکل ۳-۳. نشانه [هملت] ۱۲۴
- شکل ۱-۴. متن به مثابه افشرد سپهرنشانه‌ای ۱۳۷
- شکل ۲-۴. ارتباطات درون سپهرنشانه‌ای ۱۳۷

مقدمه

این کتاب راجع به شناخت و مطالعه فرهنگ، به عنوان خصلت منحصر به بشر، در پرتو ایده‌ها و افکار یوری لوتمان است. لوتمان یکی از متفکران اصیل سده بیستم میلادی و محقق ادبیات روس و نشانه‌شناس به شمار می‌رود. با شروع سده بیست و یکم میلادی علاقه و انگیزه‌های تازه و دوباره به میراث پرمحتوا و چندوجهی لوتمان برانگیخته شد. اکنون محققان بیشتری به ارزش مطالعه و بسط ایده‌ها و آرای لوتمان پی برده‌اند، به نحوی که آثارش در زمینه‌های مختلف، از نظریه نظام چندگانه گرفته تا مطالعه کلی‌ها یا همگانی‌ها، خواننده و تفسیر می‌شود. با این همه، در حاشیه بودن نظریه لوتمان در کتاب‌های انگلیسی‌زبان با موضوع نشانه‌شناسی فرهنگ آشکار است. لوتمان همچنان برای بسیاری از دانشجویان و استادان، بکر و ناشناخته است و گرفتار مرزهای بسته و محدود چیزی است که برچسب «ساخت‌گرایی» و «نشانه‌شناسی شوروی» خورده است. کوشش این کتاب در راه کشف همین قلمروی ناشناخته و اثبات این مطلب است که چگونه نظریه لوتمان با فراروی از مرزهای سنتی رشته‌های آموزشی و آکادمیک، رویکردی کل‌گرا و در اصل میان‌رشته‌ای به فرهنگ اتخاذ می‌کند. از اهداف مهم این مطالعه، در دسترس قرار دادن اندیشه‌های لوتمان برای طیف وسیع‌تری از مخاطب است، تا از این طریق، مخاطبان محدود به متخصصان مطالعات اسلاوی یا حتی نشانه‌شناسی نباشند.

به همین دلیل ضرورت دارد تا به آنچه در این کتاب بیان نمی‌شود هم اشاره کنیم. این کتاب تاریخی از نشانه‌شناسی شوروی نیست، هرچند به ناچار مراحل مختلف توسعهٔ مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو را شرح داده‌ام. علاوه بر این، زندگی‌نامهٔ (آکادمیک) لوتمان هم در این کتاب نوشته نشده، اما مراحل مختلف حیات حرفه‌ای لوتمان بیان شده است. به عبارت دیگر، این کتاب مطالعهٔ تاریخی در معنای دقیق کلمه نیست. به جای چشم دوختن به گذشته و مدفون کردن لوتمان در دورهٔ مشخصی از تاریخ نشانه‌شناسی، کوشش می‌کنم تا به آینده بنگرم و رویکردی نو به نظریهٔ لوتمان ارائه کنم تا مبنای تحقیقات بعدی محققان در رشته‌های گوناگون شود. به یک معنای مشخص، تمرکز من نه بر «شخص» لوتمان بلکه بر «متن» لوتمان است، یعنی آثار او در دوران پس از مرگش.

نظریهٔ لوتمان معمولاً در هیئت تحول از ساخت‌گرایی به نشانه‌شناسی فرهنگی توصیف می‌شود و اعتقاد بر این است که دورهٔ اخیر به نوعی ردّ دورهٔ نخستین است. از این منظر، توصیف و تشریح رئوس مطالب آثار لوتمان از دههٔ ۱۹۶۰ تا دههٔ ۱۹۹۰ میلادی با اتکا به یک فرازبان ناممکن است. اما این کتاب رویکردی متفاوت اتخاذ می‌کند و بر پیوستگی و یکپارچگی ایده‌ها و افکار لوتمان و اتصال یا ارتباط بین آثار اولیه و متأخرش تمرکز دارد. مشی من و تفسیری که از نظریهٔ لوتمان در اینجا ارائه می‌کنم، تکیه و تأکید بر برخی وجوه و کنار گذاشتن وجوه دیگر است و این امر از عواقب ناگزیر هر نوع فرازبانی است که بر چنین پدیدهٔ نشانه‌شناختی بفرنجی اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، به اصول تحلیل متنی که خود لوتمان به کار بسته است وفادار می‌مانم: مرزها و کرانه‌های متن لوتمان را - سلسله‌مراتب عناصر و مؤلفه‌های آن، هسته و پیرامونش - شکل داده و تصویری کم‌وبیش یکدست از نظریه‌اش ارائه می‌کنم. بدین منظور هم بر نکاتی تکیه و تأکید می‌کنم که به نشانه‌شناسی معاصر مربوط است و هم بر آن‌ها که دیگر چندان جایی در زمینهٔ مدرن ندارند.

این کتاب نخست و پیش از همه برای پژوهشگران و دانشجویان علاقه‌مند به تحلیل فرهنگی، نشانه‌شناسی و تحقیق میان‌رشته‌ای است. علاوه بر این، برای عده‌ای از محققان، در حکم مقدمه و مدخلی بر آثار لوتمان است و امیدوارم این کتاب برای مطالعات و تحقیقات ایشان مفید باشد.

آثار لوتمان

لوتمان بیش از ۹۰۰ نوشته به زبان‌های مختلف منتشر کرده، و آرشیوی وسیع از خود به جا گذاشته، که همچنان در مسیر نظام‌مندسازی است. این آرشیو در دو شهر جمهوری استونی مستقر است: بخشی در کتابخانه دانشگاه تارتو (شهر تارتو) و بخش دیگر در مجموعه آرشیو لوتمان در دانشگاه تالین (شهر تالین و پایتخت استونی). تا امروز، حجیم‌ترین مجموعه آثار لوتمان به زبان روسی، ویراست سه‌جلدی مکتوبات منتخب بوده که در تالین (۱۹۹۲-۱۹۹۳) منتشر شده است و همچنین نُه جلد موضوعی از آثار منتخب لوتمان که انتشارات ایستکوستو - اسپب^۱ در سن پترزبورگ (۱۹۹۴-۲۰۰۳) منتشر کرده است. صرف‌نظر از رساله ساختار متن هنری^۲ (۱۹۷۷)، شناخته‌شده‌ترین اثر لوتمان به زبان انگلیسی، کتاب جهان‌ذهن^۳ (۱۹۹۰) است که شامل گردآوری و تدوین برخی از آثار وی در دهه ۱۹۸۰ است. اولین بار آن شوکمان^۴ این کتاب را به زبان انگلیسی ترجمه کرد و بعدها در سال ۱۹۹۶ به روسی انتشار یافت. فرهنگ و انفجار^۵، آخرین کتاب لوتمان، تا پایان سال ۲۰۰۹ به انگلیسی در دسترس نبود، هرچند به زبان‌های استونیایی، اسپانیولی، ایتالیایی و هلندی ترجمه شده بود.

دو کتاب آخر لوتمان، مکانیسم‌های پیش‌بینی‌ناپذیر فرهنگ^۶ و فرهنگ و انفجار، هم به لحاظ سبک و هم موضوع، متفاوت از آثار پیشین‌اند. لوتمان که به شدت مریض شده بود، متن این دو کتاب را در دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۲ به همسر و منشی‌های خود دیکته کرد (Kuzovkina, 1999). مکانیسم‌های پیش‌بینی‌ناپذیر فرهنگ تا سال ۲۰۱۰ به دلایل اقتصادی به زبان روسی منتشر نشد (← تاریخ انتشار این کتاب در Kuzovkina, 2010)، و نخست به زبان ایتالیایی^۷ در سال ۱۹۹۴ به بازار آمد. کتاب فرهنگ و انفجار هم نخست در سال ۱۹۹۱ به زبان روسی منتشر شد. لوتمان در یکی از نامه‌های خویش در سال ۱۹۹۱ نوشته که کتاب

1. Iskusstvo-SPB

2. *The Structure of the Artistic Text*3. *Universe of the Mind*

4. Ann Shukman

5. *Culture and Explosion*6. *Unpredictable Mechanisms of Culture*7. *Cercare la strada: Modelli della cultura*

فرهنگ و انفجار شاید مهم‌ترین کتابش باشد (Lotman, 2006: 425) و محققان متعددی فوراً از این کتاب به عنوان عهد جدید لوتمان نام برده‌اند. درحالی‌که، فقط به یک معنا می‌توان از این عهد جدید سخن گفت و آن اینکه لوتمان چشم‌اندازهای جدیدی گشوده، که پیش‌تر بدان نپرداخته بود و اگر فرصتی می‌داشت، اکتشاف خویش را فراتر می‌برد. پس ملاحظه این کتاب آن‌هم به شکل سنتزی از آثار همه عمر لوتمان، غلط‌انداز است، زیرا ما را دچار همان مغلطه‌ای می‌کند که لوتمان بارها نسبت بدان هشدار داده بود: با نگاه به گذشته، آخرین کتاب همیشه آخرین حرف هم هست. فرهنگ و انفجار احساس یک جمله ناتمام را به جای حرفی تمام باقی می‌گذارد و ضمن آن‌که منظری نو به مطالعه فرهنگ می‌گشاید، رؤس همان تحقیقی را که در جهان ذهن مطرح شد، چندان ادامه نمی‌دهد.

آثار در باب لوتمان

تعدادی کتاب و رساله منحصرأً به لوتمان و نشانه‌شناسی شوروی پرداخته‌اند. از آنجا که این کتاب برای طیف وسیعی از مخاطبان نوشته شده است، صرفاً به فهرستی از آثار منتشرشده به دو زبان انگلیسی و روسی اکتفا می‌کنم و مطالعات متعددی را که در باب لوتمان به زبان‌های استونیایی، ایتالیایی، هلندی، اسپانیولی و غیره انتشار یافته است، نادیده می‌گیرم. به زبان روسی، فقط دو رساله تاکنون منتشر شده است: زندگی‌نامه لوتمان به قلم باریس اگوروف^۱ (1999)، که دوست صمیمی و همکار لوتمان بوده است، و کتاب کیم سو کوان^۲ (2003) که در ارتباط با تحول نظریه لوتمان در مقاطع مختلف است.

نشانه‌شناسی شوروی از همان آغاز توجه بسیاری از محققان غربی را به خود جلب کرد و اصلاً جای شگفتی نیست که رساله‌های بیشتری درباره مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو و بالاخص یوری لوتمان به زبان انگلیسی موجود است. نخستین پژوهشی که پیرامون آثار مکتوب لوتمان منتشر شد، رساله‌ای است از آن شوکمان (1977) درباره آثار لوتمان که تا

اوایل دهه ۱۹۷۰ نگاشته شد. شوکمان نه فقط تاریخی از شکل‌گیری مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو و نقش لوتمان در آن ارائه کرده است، بلکه، تحلیل نخستین آثار منتشرشده لوتمان را، یعنی درس‌گفتارهایی پیرامون بوطیقای ساختاری^۱ و ساختار متون هنری، در اختیار مخاطب انگلیسی‌زبان گذاشت، آثاری که تا آن زمان از روسی به انگلیسی ترجمه نشده بود.

ادنا اندروز^۲ در کتاب خویش با عنوان گفت‌وگوهایی با لوتمان^۳ (۲۰۰۳) بر لوتمان به روز و در بافتار نظریات غربی تمرکز دارد. نویسنده در بخش نخست کتاب اجمالاً مهم‌ترین آرای لوتمان را در بافتار نشانه‌شناسی معاصر غرب (تطبیق لوتمان با تامس سیبیاک^۴، چارلز سندرس پرس^۵، یاکوب فون اوکسکول^۶، رنه تام^۷ و دیگران) مطرح می‌کند. در بخش دوم، اندروز آرای لوتمان را در تحلیل رمان‌های بولگاکف^۸ و زامیاتین^۹ به کار می‌بندد و از نسبت نظریه لوتمان با علم شناخت یا علم‌الادراک سخن می‌گوید.

یکی از جالب‌ترین موارد استفاده و بسط ایده‌ها و آرای لوتمان، مجموعه مقالاتی با عنوان لوتمان و مطالعات فرهنگی^{۱۰} (۲۰۰۶) است. نویسندگان با به‌کارگیری آرای لوتمان و بسط آن‌ها در بافتار مطالعات فرهنگی، در پی شیوه‌ای برای سازگاری لوتمان با مفاهیمی چون گفتمان، قدرت و ایدئولوژی هستند. نکته در خور توجه، تفاوت تصور لوتمان از فرهنگ با تصور نویسندگان این مجموعه است. در این مجموعه فهرستی از وجوه مختلف زندگی - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اروتیک و ایدئولوژیک - آمده است که فرهنگ را به‌مثابه یک کل شکل می‌بخشد، اما هیچ اشاره‌ای به وجه «هنری» یا دیگر اصطلاحات و مفاهیم محوری آثار لوتمان، نشده است. سرانجام، تازه‌ترین اثر در باب نشانه‌شناسی شوروی، پایان‌نامه ماکسیم والدشتاین^{۱۱} است که در سال ۲۰۰۸ به صورت کتاب منتشر شد و تاکنون، یگانه تاریخ مکتوب مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو به زبان انگلیسی است.

1. *Lectures on Structural Poetics*

3. *Conversations with Lotman*

5. Charles Sanders Peirce

7. Rene Thome

9. Zamiatin

11. Maxim Waldestein

2. Edna Andrews

4. Thomas Sebeok

6. Jakobe von Uexkull

8. Bulgakov

10. *Lotman and Cultural Studies*

این تحقیق با چشم‌اندازی جامعه‌شناختی نگاشته شده، و نویسنده سعی کرده است، تاریخی اجتماعی و نهادی از نشانه‌شناسی شوروی ارائه کند. دلالت همه این آثار، به رغم وجود تفاوت‌ها و گاه رویکردهای متضاد، بر این است که فرایند (باز) مفهوم‌پردازی میراث لوتمان تازه شروع شده است و هنوز فضاهاى ناشناخته بسیاری برای کندوکاو محققان، در مطالعات اسلاوی و در دیگر رشته‌ها وجود دارد.

رئوس مطالب این کتاب

این کتاب به پنج فصل تقسیم شده است. در پایان فصل‌های دو تا پنج و برای سهولت خواننده، فهرستی از مباحث مهم و محوری آن فصل را خلاصه کرده‌ام.

فصل اول حاوی زندگی‌نامه علمی کوتاهی از لوتمان و مقدمه‌ای تاریخی بر مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو است، همراه با طرح مهم‌ترین زمینه‌های تاریخی، آموزشی و فرهنگی‌ای که سبب شکل‌گیری نظریه لوتمان شده است. در ادامه، شرح ربط بین نشانه‌شناسی و گفتمان سایبرنتیک در دهه ۱۹۶۰ در کنار برآورد خود این گفتمان نه فقط به‌مثابه رویکردی نو که علوم انسانی را با علوم طبیعی وحدت می‌بخشد، بلکه به عنوان روشی عام - زبانی عام و همگانی - برای مطالعه فرهنگ بشری، بر خواننده آشکار می‌شود، و در نهایت، از بافتار سیاسی - اجتماعی مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو، که تا حد معینی منجر به وضعیت استثنایی آن گشت، بحث خواهد شد.

در فصل دوم و سوم، با شرح مفاهیم پایه نشانه‌شناسی لوتمان و مقدمات و پیش‌فرض‌های نظری وی از طریق ذکر مثال‌هایی از فرهنگ‌های مختلف، روشن خواهد شد که این مفاهیم چگونه در عمل به‌شکل ابزاری مؤثر برای تجزیه و تحلیل فرهنگی به‌کار می‌روند. فصل دوم بر کلان‌ساختارهای فرهنگ (نظام‌وارگی) و فصل سوم بر خردساختارهای فرهنگ (متن‌وارگی) تمرکز دارد. پرسش‌های اصلی که من تلاش دارم در این فصل‌ها بدان پاسخ دهم، عبارتند از:

- فرهنگ بر حسب ارتباطات چیست؟
- جایگاه هنر و دیگر نظام‌های الگوسازی در فرهنگ چیست؟

- عناصر پایه و مبنایی فرهنگ چیستند؟
- چطور می‌توان متن را تعریف کرد؟
- نسبت متون با نشانه‌ها چیست؟
- کیفیات یا ویژگی‌های متن هنری چیستند؟
- اسطوره چیست و چطور متون اسطوره‌ای از متون غیراسطوره‌ای تفکیک می‌شوند؟
- چرا ترجمه در بافتار فرهنگ اهمیت دارد؟
- معنا چیست؟ چطور تولید می‌شود؟
- حافظه جمعی چیست؟
- آیا «قوانین» خاص رشد و توسعه فرهنگی وجود دارد؟
- چرا پیش‌بینی‌ناپذیری برای هر فرهنگی ضرورت دارد؟

فصل چهارم بر مفهوم فضای نشانه‌ای یا سپهرنشانه‌ای^۱ تمرکز می‌کند، مفهومی که شاید مهم‌ترین و سودمندترین مفاهیمی باشد که لوتمان وضع کرد و تاحدی مابقی مفاهیم کلیدی او را دربرمی‌گیرد و حتی ظرفیت جایگزینی با مفهوم فرهنگ را داراست. من خصیصه‌های مختلف سپهرنشانه‌ای (ناهمگنی، عدم‌تقارن، منطق دوگان و غیره) را شرح می‌دهم و ربط آن با مفاهیم حافظه فرهنگی و حافظه متن را مشخص می‌کنم. سرانجام، از دوگانگی ذاتی بحث می‌کنم که در مفهوم سپهرنشانه‌ای هم به‌مثابه یک اَبَر مفهوم است و هم فضایی که در آن همه اشکال ارتباطی رخ می‌دهد.

فصل پنجم کندوکاوی عمیق‌تر در مسئله سپهرنشانه‌ای جمعی درمقابل فردی است و بر یکی از فرضیه‌های بسیار مهم در نظریه لوتمان متمرکز است، اینکه فرهنگ بازتاب ذهن انسان است. با موشکافی در استفاده لوتمان از اصطلاحاتی چون آگاهی، عقل و اندیشه، نشان می‌دهم که چطور مفهوم سپهرنشانه‌ای لوتمان در وهله‌ای مشخص به مدلی از ادراک یا شناخت بدل می‌شود.

زمینه‌ها

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه یوری لوتمان

یوری میخایلوویچ لوتمان^۱ اهل روسیه بود؛ تحصیلات فقه‌اللغه داشت، اما تخصصش ادبیات روس بود. آثارش تمایل آشکار او را در فراتر رفتن از مرزهای سنتی رشته‌های دانشگاهی نشان می‌دهند. وسعت دانش دایرة‌المعارفی لوتمان محدود به ادبیات روس نیست و شامل تاریخ و ادبیات اروپایی، هنر و تاریخ کلاسیک و دیگر رشته‌ها و حوزه‌هاست. تمایز لوتمان با بسیاری دیگر از نظریه‌پردازان در این است که او هرگز نظریه را به خاطر خود نظریه پیش نمی‌برد و حتی آثارش که بیشتر جنبه نظری دارند، معمولاً مبتنی بر داده‌های تاریخی، از ادبیات قرون وسطا تا دوره مدرن، است. جدول ۱-۱ خلاصه‌ای از زندگی‌نامه علمی و آموزشی لوتمان را به همراه مهم‌ترین رساله‌ها و مکتوباتش به دست می‌دهد.

مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو

لوتمان بیش از هر چیز به عنوان یکی از پایه‌گذاران مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو شناخته شده است^(۱). یکی از رخدادهایی که منجر به استقرار این مکتب شد، گردهمایی مطالعه ساختاری نظام‌های نشانه‌ای بود که در دسامبر ۱۹۶۲ در شهر مسکو برگزار شد. این گردهمایی محققانی را جمع کرد که دو سه سال بعد، همه از شرکت‌کنندگان فعال مکتب به شمار رفتند:

1. Yuri Mikhailovich Lotman

ویاچسلاو ایوانوف^۱، باریس اگوروف^۲، ولادیمیر توپوروف^۳، باریس اوسپنسکی^۴، الکساندر پیاتیگورسکی^۵، ایساک روزین^۶، الکساندر ژولکوفسکی^۷، یوری ایی. لوین^۸، دمیتری سگال^۹ و دیگران. در این گردهمایی، برای نخستین بار، مفاهیمی نظیر نشانه‌شناسی، نظام نشانه‌ای، الگو یا مدل و نظام الگوسازی معرفی شد. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در آنجا بحث شد، مسئله زبان‌های مصنوعی و کاربرست زبان‌شناسی ساخت‌گرا و نظریه اطلاعات در مطالعه نظام‌های نشانه‌ای مختلف (زبان، ادبیات، هنر و غیره) بود؛ چارچوب روش‌شناختی گردهمایی عمدتاً بر نظریات نشانه‌شناختی فردینان دو سوسور و لویی یلمزلو تکیه داشت. یوری لوتمان خود در این گردهمایی حضور نداشت اما یک سال بعد که با ایوانوف، پیاتیگورسکی و روزین آشنا شد، نشانه‌شناسان مسکو را به تارتو دعوت کرد. از اینجاست که همکاری طولانی‌مدت محققان تارتو با همکاران‌شان در مسکو و لنینگراد آغاز شد.



شکل ۱-۱. یوری لوتمان

1. Viacheslav Ivanov
3. Vladimir Toporov
5. Aleksandr Piatigorskii
7. Aleksandr Zholkovskii
9. Dmitrii Segal

2. Boris Egorov
4. Boris Uspenskii
6. Isaak Revzin
8. Iurii I. Levin

جدول ۱-۱. خلاصه‌ای از زندگی‌نامه یوری لوتمان

۲۸ فوریه ۱۹۲۲	یوری میخایلوویچ لوتمان در شهر پتروگراد (سن پترزبورگ کنونی) روسیه به دنیا آمد.
۱۹۳۹	تحصیلات خود را در دانشگاه دولتی لنینگراد در دانشکده فقه‌اللغه آغاز کرد. از استادان وی می‌توان به محققان برجسته‌ای نظیر گ. گوکوفسکی، ب. آیکنبوم، ب. توماشفسکی، و. پروپ، م. آزادوفسکی و ن. مردوفچنکو اشاره کرد.
۱۹۴۰-۱۹۴۶	سربازی خود را در ارتش شوروی گذراند و طی جنگ دوم جهانی در هنگ توپخانه خدمت کرد و فقط در دسامبر ۱۹۴۶ به خانه بازگشت.
۱۹۵۰	به شهر تارتو در کشور استونی رفت و در شورای معلمان و دیپارتمان ادبیات روسی دانشگاه تارتو مشغول به تدریس شد.
۱۹۵۲	از رساله کاندیداتوری استادی خود در دانشگاه لنینگراد دفاع کرد.
۱۹۵۴	دانشیار شد.
۱۹۶۰-۱۹۷۷	مدیر گروه ادبیات روسی بود.
۱۹۶۱	از رساله دکتری خود در دانشگاه لنینگراد دفاع کرد.
۱۹۶۳	استاد ادبیات روسی شد.
۱۹۶۴	برگزاری نخستین مدرسه تابستانی و انتشار نخستین شماره از مجله مطالعات نظام‌های نشانه‌ای با موضوع بوطیقای ساختاری.
۱۹۷۰	انتشار ساختار متن هنری، مقالاتی در باب سنخ‌شناسی فرهنگ.
۱۹۷۲	انتشار تحلیل متن بوطیقای.
۱۹۷۳	انتشار نشانه‌شناسی سینما.
۱۹۸۰	تحشیه بر یوگنی آنگین اثر الکساندر پوشکین.
۱۹۸۱	نگارش زندگی‌نامه پوشکین.
۱۹۸۷	انتشار خلاقیت کارامزین.
۱۹۸۹	نگارش مکانیسم‌های پیش‌بینی‌ناپذیر فرهنگ که تا سال ۲۰۱۰ منتشر نشد.
۱۹۹۰	انتشار جهان ذهن (نخست به زبان انگلیسی).
۱۹۹۲	انتشار فرهنگ و انفجار؛ گروه نشانه‌شناسی در دانشگاه تارتو آغاز به کار کرد.
۲۸ اکتبر ۱۹۹۳	در شهر تارتو در کشور استونی درگذشت.

سال ۱۹۶۴ را سال تولد مکتب نشانه‌شناسی تارتو - مسکو در نظر می‌گیرند، مکتبی در قالب گروهی علمی و آموزشی که استثنائاً در آن زمان خاص، سازنده و مؤثر بود و بدل به پدیده‌ای در حیات آکادمیک اتحاد جماهیر شوروی و بلکه در دنیای غرب گشت. در ۱۹۶۴، نخستین مدرسهٔ تابستانی برگزار، و نخستین جلد از مجلات جدید دانشگاه تارتو با عنوان مطالعات نظام‌های نشانه‌ای^۱ منتشر شد. این مجله در دورهٔ زمانی ۱۹۶۴-۱۹۹۲ در ۲۵ جلد منتشر شد و هم‌اکنون نیز به دو زبان انگلیسی و روسی چاپ می‌شود. اگر از منظر سدهٔ بیست و یکم به دههٔ ۱۹۶۰ برگردیم، روشن‌تر خواهد شد که لوتمان به‌عنوان یکی از رهبران مکتب، یگانه فردی بود که سبب کناره‌هم ماندن این اجتماع علمی شد و زمینه‌ای مهیا کرد تا نشانه‌شناسان شوروی کارهای خویش را در فضایی دوستانه در شهر تارتو به انجام رسانند.

زمینهٔ سایبرنتیک

خیزش نشانه‌شناسی در اتحاد جماهیر شوروی بسیار مرتبط است با رشد دانش سایبرنتیک، که در دههٔ ۱۹۵۰ چرخشی عجیب را تجربه می‌کرد. سایبرنتیک در ابتدای دههٔ ۱۹۵۰ شبه علم ممنوع قلمداد شد. فرهنگ لغت کوچک فلسفهٔ شوروی در سال ۱۹۵۴ سایبرنتیک را اینچنین تعریف می‌کند:

یک شبه‌علم ارتجاعی که پس از جنگ دوم جهانی در امریکا ظهور و بروز کرده و در دیگر کشورهای کاپیتالیستی انتشار وسیعی داشته است؛... واضح است که سایبرنتیک بازتاب یکی از خصایص اساسی جهان‌بینی بورژوایی، یعنی غیرانسانی‌بودن‌اش است، یعنی کوشش جهت تبدیل کارگران به الحاق و ضمیمه‌ای برای ماشین، به ابزاری برای تولید و افزاری برای جنگ (Rozental and Iudin, 1954:236-237;). (Bowker, 1993: 111)

در دوران خروشچف یا دوران موسوم به ذوب شدن یخ‌ها، سایبرنتیک به

1. *Trudy po znakovym sistemam*

سرعت در دانشگاه‌های شوروی جایگاه مسلط یافت. تعدادی از آثار مهم سایبرنتیک به زبان روسی ترجمه شد، از جمله: در ۱۹۵۸ کتاب نربرت وینر^۱ با عنوان استفاده انسان از انسان: سایبرنتیک و جامعه^۲ و در ۱۹۵۹ کتاب راس آشبی^۳ با عنوان درآمدی بر سایبرنتیک^۴. سرانجام در ۱۹۶۱ سایبرنتیک از سوی حزب کمونیست پذیرفته شد و به جزئی جدایی‌ناپذیر از توجه رسمی به مقوله انقلاب علمی و فنی تبدیل گشت. در ویراست جدید فرهنگ لغت فلسفی در ۱۹۶۳، مقاله سایبرنتیک مورد بازبینی قرار گرفت و همه انگ‌های تهمت‌آمیز از آن حذف شد (Rozental and Iudin, 1963:197-198).

همان‌طور که اسلاوا گروییچ به طرز متقاعدکننده‌ای در تحقیقات خود نشان داده است، سایبرنتیک در فضای شوروی نه فقط یک رشته علمی جدید بود، بلکه به مثابه پارادایم فلسفی و روش‌شناختی جدید شناخته می‌شد. گفتمان اصلاح‌شده سایبرنتیک به عنوان ابزاری جهت استالین‌زدایی کردن از علم به خدمت گرفته شد و به طرق گوناگون تلاش تعدادی از علمای شوروی برای رهایی از سبک بیان ایدئولوژیک رسمی‌ای تلقی می‌شد که دهه‌ها بر دانشگاه‌ها حاکم بود:

علمای سایبرنتیک شوروی با ترویج گفتار سایبر به عنوان زبانی همگانی و تازه برای علم، نقش غالب گفتار رسمی، زبان مبهم و پر از دوز و کلک گفتمان ایدئولوژیک استالینی را به چالش کشیدند و اقدام به تضعیف مبنای گفتمانی رژیم استالینی کردند (Gerovitch, 2002:155).

با پذیرش گفتار سایبر، درهای متعددی گشوده شد که تا پیش از آن بسته بود. در دهه ۱۹۶۰ دانشگاه‌های شوروی شاهد خیزش مؤسسه‌ها و دپارتمان‌های جدیدی بود که بر سایبرنتیک، زبان‌شناسی ساختاری و نشانه‌شناسی متمرکز شدند و از این‌رو، رسماً (هرچند با اکراه) همان ساخت‌گرایی منفور پیشین مورد تأیید و پذیرش قرار گرفت. صرف نظر از این‌ها، تعدادی مجله علمی

1. Norbert Wiener

2. *The Human Use of Human Beings: Cybernetics and Society*

3. Ross Ashby

4. *Introduction to Cybernetics*

و پژوهشی حول محور سایبرنتیک و حتی مجموعه‌ای با عنوان شعارگونه سایبرنتیک در خدمت کمونیسم^۱ منتشر شد. دانشگاهیان پرنفوذی چون آ. ن. کولموگوروف^۲ و آ. آی. برگ^۳ در مقام ریاست شورای پژوهشی سایبرنتیک در آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی نقش بسزایی در ترویج سایبرنتیک و توسعه مطالعات و تحقیقات نشانه‌شناختی در شوروی بر عهده داشتند. نشانه‌شناسی عمدتاً جزئی تفکیک‌ناپذیر از سایبرنتیک تصور می‌شد. در سال ۱۹۶۰ پروژه مؤسسه نشانه‌شناسی شروع شد، ولی هرگز طرح‌های آن به واقعیت بدل نشد (Gerovitch, 2002: 243-245).

یکی از ویژگی‌های چشمگیر گفتار سایبر، سوگیری صریح علم‌گرای آن بود که نشانه‌شناسی شوروی هم کاملاً از این ویژگی برخوردار بود. کلمات و. ایوانوف در مقدمه شرح مذاکرات هم‌اندیشی، پیرامون مطالعه ساختاری نظام‌های نشانه‌ای، بیش از هر چیز وجهی نشانه‌ای دارد، زیرا بر نقش نشانه‌شناسی به عنوان دانشی جهانی تأکید دارد:

مطمئناً نقش اساسی روش‌های نشانه‌شناسی برای علوم انسانی قابل قیاس با اهمیت ریاضیات برای علوم طبیعی است. به هر حال، ریاضیات از یک سو به عنوان نظامی از نشانه‌ها، درون طیف موضوعات تجزیه و تحلیل نشانه‌شناختی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر، نشانه‌شناسی نظیر سایر علوم انسانی، رفته‌رفته آکنده از ایده‌ها و روش‌های ریاضیات خواهد شد (Ivanov, 1978b: 202؛ نیز: Ivanov, 1994: 487؛ ایوانوف، ۱۹۷۸ ب، ۲۰۲؛ همچنین ← ایوانوف، ۱۹۹۴: ۴۸۷).

بسیاری از آثار لوتمان هم آشکارا علم‌گراست. وی در یکی از مقالاتش که در ۱۹۶۷ با عنوان «نقد ادبی باید یک علم شود»^۴ (Lotman, 1967) انتشار یافت، با بیان اینکه نقد ساخت‌گرا رویکردی علمی دارد و اینکه متخصص فقه‌اللغه جدید باید به‌نحوی ایدئال ترکیبی از ریاضیدان، زبان‌شناس و

1. *Cybernetics to the Service of Communism*

2. A. N. Kolmogorov

3. A. I. Berg

4. «Literary Criticism Must Be a Science»

محقق ادبیات باشد، در مقام پاسخ به حملات متعدد به ساخت‌گرایان برآمد. همان‌طور که لوتمان در یکی از نامه‌های خویش در ۱۹۶۹ نوشته است (به نقل از Egorov, 1999: 103-104)، «خصلت عمده جهت‌گیری علمی ما، دستیابی به نتایج اساساً اثبات‌پذیر است». لوتمان بعدتر مسائل ریاضی را با مسائل علوم انسانی قیاس می‌کند و دریغ می‌خورد از این که، این دست مسائل معمولاً به شیوه‌ای که محتاج تبیین و اثبات‌پذیری روش‌شناختی‌اند، در نظر گرفته نمی‌شوند. او با ارجاع به دکارت بحث می‌کند که نشانه‌شناسی بایستی بر نحوه کسب حقیقت تمرکز داشته باشد (یعنی بر روش‌ها) و نه بر خود حقیقت. لوتمان با اعلام نشانه‌شناسی به‌عنوان علم انسانی جدید، به طرزی غیرمستقیم برای بازسازی وضعیت علوم انسانی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تلاش می‌کرد، علومی که تحت‌الشعاع «علوم سخت» و به اصطلاح «مهم‌تر» قرار گرفته بود.

علم‌زدگی در نشانه‌شناسی شوروی بیش‌از هر چیز خود را در ماهیت بدیهی گزاره‌ها و احکام خود، به علاوه در اعمال فرازبان‌های «دقیق» — زبان‌شناختی، ریاضی و حتی موسیقایی — بر پدیدارهای فرهنگی آشکار می‌کند. برای مثال، به سراغ دو مقاله از سال ۱۹۶۵ می‌رویم: در یکی از آن‌ها فال‌گیری با ورق برحسب فرازبان زبان‌شناختی تشریح شده است (Lekomceva and Uspenskij, 1977)؛ در مقاله دیگر، یوری لوین (1977) طبقه‌بندی استعاره‌های روسی را ارائه می‌کند که شبیه به فرمول‌های ریاضی صورت‌بندی شده‌اند^(۳). نفس پرسش از روایی این گونه رویکرد — اینکه آیا فرازبان مذکور نتایج تحلیل را ازپیش تعیین نمی‌کند؟ — هرگز مطرح نشد. این تذکر لازم است که لوتمان در مقام یک محقق ادبی، پیش از ۱۹۶۴ به مسائل مشخص کاربرست فرازبان زبان‌شناختی بر همه پدیدارهای نشانه‌شناختی (غیرزبانی) توجه داشت و جایگاه زبان‌شناسی را در مقام فرازبان نشانه‌شناختی به پرسش می‌کشید. از نظر لوتمان زبان‌شناسی قیدوبندهای غیرضروری بر علوم انسانی تحمیل می‌کرد، درست مثل سایر کاربرست‌های مکانیکی یک نظام نشانه‌ای بر دیگر نظام‌ها. لوتمان در یکی از مقالات خود، به کوشش لوی استراوس در ایجاد یک فرازبان اسطوره بر مبنای قوانین روایت موسیقایی اشاره می‌کند و آن را مصداقی از «سرریز نشانه‌شناختی»

فرهنگ اواسط سده بیستم میلادی قلمداد می‌کند (Lotman, 1975: 337-338). در این معنی، لوتمان در ساخت‌گرایی و نشانه‌شناسی به دنبال نه یک باور جزمی علمی و آموزشی، بلکه شیوه‌ای برای بسط یک روش‌شناسی مکفی و یک فرازبان جهت توصیف و تشریح نظام‌های نشانه‌ای است. از این‌رو، نشانه‌شناسی نزد لوتمان، نه فلسفه نشانه است و نه نسبت منطقی نشانه با مصداق یا مفسر آن (Shukman, 1977: 179)، بلکه، روشی است که اصولش را در این کتاب معرفی خواهیم کرد.

ویژگی متمیز دیگر نشانه‌شناسی شوروی، کل‌گرایی آن است. نشانه‌شناسی همچون سایبرنتیک، نه فقط به‌عنوان رویکردی تازه در وحدت‌بخشیدن به علوم انسانی و طبیعی، بلکه در حکم روشی کلی و همگانی (زبان همگانی) جهت مطالعه فرهنگ بشری تصور می‌شد. مشخصه‌ای از مقالات مربوط به برنامه مکتب تارتو - مسکو (Zaliznjak, Ivanov, and Toporov, 1977) که برای نخستین بار از اصطلاح «نظام الگوسازی»^۱ استفاده می‌کرد، باور به معرفتی کاملاً غیرشخصی و علمی بود که با یک زبان همگانی قابل حصول است (Shukman, 1977). بسیاری از دیگر مقالات نشانه‌شناسان شوروی در دهه‌های شصت و هفتاد، همین موضع کل‌گرایانه را داشتند. این عامل بیش از هر چیز، میان‌رشته‌ای بودن آشکار اعضای مکتب تارتو - مسکو را می‌رساند که صدها مقاله و کتاب با طیف وسیعی از حوزه‌ها، از مطالعات ادبی و زبان‌شناسی گرفته تا ریاضیات و انسان‌شناسی، منتشر کرده بودند. البته این امر چندان هم نامعمول نبود، چرا که گرایش ساخت‌گرایی، نشانه‌شناسی، واسازی و دیگر تعبیر و اصطلاحات انتقادی سده بیستم، گسترش محدوده‌های سنتی رشته‌ای بود (Moran, 2002: 84). آنچه عملاً دغدغه نشانه‌شناسی است، گرایش به سوی میان‌رشته‌ای شدن است و علم‌زدگی که اظهار می‌شد، فقط مختص محافل آموزشی شوروی نبود، بلکه در غرب هم وضع به‌همین منوال بود: در تعریف امبرتو اکو (1978, 83)

«نشانه‌شناسی بیشتر از آنکه یک علم به‌شمار آید، یک رویکرد میان‌رشته‌ای است... و می‌تواند نوعی دیدگاه استعاری یکپارچه باشد که هدایت‌کننده دایرةالمعارفی تازه از علمی یکپارچه است».

کل‌گرایی نشانه‌شناسی شوروی از یک سو در رویکرد کلی نسبت به فرهنگ (به خصوص در آثار لوتمان) تجلی‌یافته است، چنانکه امکان مطالعه متن‌ها را از چشم‌اندازی واقعاً وسیع مهیا می‌کند؛ از سوی دیگر، تعداد بسیاری از تحقیقات نشانه‌شناختی هستند که به توضیح کلی‌ها، یعنی ویژگی‌های مشترک مفروض در هر زبان یا هر فرهنگ، اختصاص یافته‌اند. این پروبلماتیکی است که به نحو گسترده، بسیاری از ساخت‌گرایان و نشانه‌شناسان، از کلود لوی استراوس، که کلی‌ها را در اسطوره کشف کرد، گرفته تا نوام چامسکی، مؤلف نظریه دستور زبان زایشی، کندوکاو کرده‌اند. اکنون روشن شده که باور راسخ به زبان همگانی علم بودن سایبرنتیک یا نشانه‌شناسی، خود بازتاب اسطوره کهنه زبان همگانی (ایدئال یا کامل) بوده است، فرازبانی که می‌تواند حقیقت یا دست‌کم بیشترین نتایج عینی را آشکار کند. در مکتب تارتو - مسکو، گفتمان کل‌گرایانه به‌خصوص در مطالعه اسطوره (← فصل ۲)، سنخ‌شناسی فرهنگی (← فصل ۳) و نامتقارن‌بودگی مغز انسان (← فصل ۵) نشاندار شد.

بافتار سایبرنتیک نقش مبهمی در سرنوشت نشانه‌شناسی شوروی ایفا کرد. بی‌تردید همزیستی نشانه‌شناسی با سایبرنتیک در دهه‌های شصت و هفتاد، به بقای آن کمک کرد اما درعین‌حال، به این واقعیت انجامید که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تصور از نشانه‌شناسی حوزه‌ای در حاشیه بود که به شدت با بافت شوروی مرتبط است. نشانه‌شناسی تاحدی آینه سرنوشت سایبرنتیک بود، علمی که در دهه ۱۹۵۰ نقش علم انقلابی را برعهده داشت و در دهه ۱۹۶۰ روندی باب روز شد و در دهه ۱۹۷۰ گفتمان مسلط گشت (Gerovitch, 2002: 288-292).^(۴) بسیاری از نشانه‌شناسان و از جمله اعضای مکتب تارتو - مسکو، به شدت دلسرد شدند و نشانه‌شناسی را به سبب تظاهر به علم‌گرایی و کلی‌گرایی مورد نقد قرار دادند و بدین ترتیب، مسئله ربط و نسبت آکادمیک مکتب را مطرح کردند.

زمینه سیاسی - اجتماعی

مکتب تارتو - مسکو در عصر خود پدیده‌سیاسی - اجتماعی انکارناپذیری است، و جایگاه استثنایی مکتب در بافت شوروی، موضوع را روشن‌تر و ملموس‌تر می‌کند. واضح است که اگر دانشگاه تارتو و موقعیت شهرستانی بودنش در استونی نبود، مکتب تارتو - مسکو هرگز نمی‌توانست تحقق یابد. شرایط سیاسی جمهوری سوسیالیستی استونی به‌مراتب ملایم‌تر از مسکو یا لنینگراد بود، و نشریات دانشگاه تارتو برای بسیاری از محققان، یگانه فرصت انتشار آثارشان به شمار می‌آمد (Chernov, 1988: 16). نشانه‌شناسی رسماً ممنوع نبود؛ ویراست جدید فرهنگ لغات فلسفی در ۱۹۶۳ مقاله جداگانه‌ای درباب نشانه‌شناسی داشت که آن را مطالعه تطبیقی نظام‌های نشانه‌ای تعریف می‌کرد (Rozental and Iudin, 1963: 400-401). با این همه، همچنان یک رشته مزنون قلمداد می‌شد، و به‌ویژه در مسکو و پس از برگزاری هم‌اندیشی ۱۹۶۲ برای بسیاری از اعضای هیئت علمی دانشگاه مسکو ناخوشایند بود، چنانکه نسبت به آن واکنشی بسیار منفی نشان دادند. از اینرو، مدارس تابستانی به پیشنهاد لوتمان، فرصت منحصربه‌فردی برای ملاقات و ارتباطات محققان در فضای علمی دوستانه بود. سه نشست اولی در ورزشگاه دانشگاه واقع در روستای کاریکو در پنجاه کیلومتری شهر تارتو برگزار شد. جای تعجب نیست که این «شهرستان در شهرستان»، خود به عنوان قلمرو آزادی آکادمیک - فارغ از کنترل ایدئولوژیک - نوعی بهشت امن و گریزگاهی برای محققان و روشنفکران، تبدیل به اسطوره شود.

این تصویر ساده و دلنشین البته به دور از واقعیت بود. اگرچه جو فکری در شهر تارتو در دهه ۱۹۶۰ حقیقتاً از مرکز متفاوت بود - و این به سبب همدلی فراوان فدور کلمنت^۱، رئیس دانشگاه، نسبت به نشریات گروه لوتمان بود - لکن این جایگاه در دهه هفتاد تغییرات اساسی کرد. محققان مکتب تارتو - مسکو انواع و اقسام کنترل دولتی را تجربه کردند: سانسور، انتشارات توأم با تأخیر و ممنوعیت، لغو همایش‌ها، مداخله و دست‌اندازی اعضای هیئت علمی و اعضای رسمی دانشگاه. حتی مأموران کاگب در ژانویه ۱۹۷۰ منزل

لوتمان را برای یافتن مکتوبات غیرقانونی زیر و رو کردند، اما خوشبختانه هیچ چیز نیافتند. لوتمان و همکارانش در اوایل دهه هفتاد، با فشار بیشتری از سوی مراجع قدرت روبه‌رو شدند، تا آنجا که درعمل برگزاری مدارس تابستانی ناممکن گشت: پنجمین مدرسه تابستانی در زمستان سال ۱۹۷۴ برگزار شد و هم‌اندیشی نظام‌های الگوسازی ثانویه نام داشت. جای تعجب نیست که بسیاری از اعضای فعال مکتب تارتو - مسکو در دهه هفتاد به غرب مهاجرت کردند (از جمله الکساندر پیاتیگورسکی، باریس گاسپاروف، دمیتری سگال و الکساندر ژولکوفسکی).

نشانه‌شناسان سوای فشار از ناحیه مراجع حکومتی، از ناحیه استادان و هیئت علمی متعلق به جریان رسمی شوروی هم مورد هجوم قرار می‌گرفتند (Waldstein, 2008: 25-28). این هجمه‌ها که ظاهراً جدلی علمی قلمداد می‌شد، کاملاً ایدئولوژیک بود؛ ساخت‌گرایان و نشانه‌شناسان در بدو امر، در موضع به‌شدت آسیب‌پذیری بودند و همه آنچه رقبای آن‌ها نیاز داشتند، به‌راهِ انداختن نیروی دروغ‌پراکنی ناآشکار، و ضدشوروی، ضداومانیست یا ضدمارکسیست خواندن آن‌ها بود. نشانه‌شناسی شوروی چنین هجمه‌ای را در سال ۱۹۷۲ تجربه کرد، یعنی زمانی که ویژه‌نامه «قطعه‌نامه‌ای در باب نقد ادبی»^۱ پس از بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست منتشر شد. معنی واقعی این قطعه‌نامه، آغاز پیکار رسمی علیه رشته‌هایی در دانشگاه‌های شوروی بود که به‌لحاظ ایدئولوژیک باطل قلمداد می‌شدند. برای مثال، جامعه‌شناسی شوروی - که در ابتدای دهه ۱۹۳۰ با برچسب شبه علم بورژوایی ممنوع شده بود و سپس برای مدت کوتاهی در دهه ۱۹۶۰ احیا شد - نیز از سوی صاحب‌منصبان حزب مورد هجمه‌هایی قرار گرفت و در سال ۱۹۷۲، توسعه رشته جامعه‌شناسی متوقف شد.

این قطعه‌نامه، بازنمود یک مورد کلاسیک از دروغ‌پراکنی شوروی است: با انتقاد از فعالیت منتقدین ادبی، تأیید مجددی بر رئالیسم سوسیالیستی به عنوان روش اصلی (و یگانه روش) ادبیات شوروی و ترسیم افق نقد ادبی مارکسیست - لنینیستی صورت می‌گرفت، که در واقع متشکل از اوامر و

1. «Resolution on Literary Criticism» (*O literaturno - khudozhestvennoi kritike*)

شعارهای ایدئولوژیک بود، نظیر تجدید پیمان با اصول مشی حزب و منش ملی، پیکار برای سطح والاتر ایدئولوژیکی و زیباشناختی هنر شوروی، تمرکز بر نقد و خود - انتقادی و غیره. اصلی‌ترین واحدهای ایدئولوژی دروغ‌پراکنی (همراه با مفاهیمی چون رئالیسم سوسیالیستی یا نقد مارکسیستی) هرگز به‌روشنی تعریف نشدند و به‌مثابه دال‌های تهی و ابزاری سهل‌الوصول برای کنترل عمل می‌کردند؛ بنا به شبه معیاری چون مشی حزب، هر نوع گزاره یا اثری را می‌توان به لحاظ ایدئولوژیک مخدوش خواند و نقد کرد (برای اطلاع بیشتر از «اصل عدم قطعیت» گفتمان ایدئولوژیک شوروی ← (Gerovitch, 2002: 21-26).

استادان متعهد فوراً به این قطعنامه واکنش نشان دادند (Khrapchenko, 1972; Miasnikov, 1972). اما سوای آن، مجله سالانه کونتکست^۱ به عنوان ارگانی رسمی برای تحقیقات ادبی در اتحاد جماهیر شوروی شکل گرفت. آغاز نخستین شماره از مجله، همراه با پیش‌گفتاری بود که بر تضاد روش‌شناسی ادبی شوروی با رویکردهای غالب غربی، که عبارت بودند از اگزیستانسیالیستی، پدیدارشناختی، فرویدی و فرمالیستی، تأکید می‌کرد و با این کار، پیوند مجله را با آن قطعنامه شرم‌آور مستقیماً برقرار می‌ساخت (Khrapchenko, 1972). در ۱۹۷۳ چندین مقاله انتقادی راجع به نظریه لوتمان و به‌خصوص کتابش یعنی ساختار متن هنری در مجله کونتکست منتشر شد. میخائیل خراپچنکو (1973: 23-28)، استاد دانشگاه و رئیس گروه ادبیات و زبان فرهنگستان علوم شوروی، یکی از مبلغان اصلی «مسیر تازه» در نقد ادبی بود که متوجه تناقض‌ها و نقاط ضعف نظریه لوتمان شد، بدین‌ترتیب که هیچ مبانی علمی ندارد، به شدت سوپرکتیو است و با به تصویر کشیدن نشانه‌شناسی در هیئت نظریه کلی شناخت، نوعی بت‌وارگی نشانه‌شناختی را به‌نمایش می‌گذارد. یوری باراباش (1973) مقاله دیگری نوشت که به مراتب انتقادی‌تر بود و ادعا می‌کرد که الگوی لوتمان هیچ کاری با تاریخ‌گرایی، حقیقت حیات و رئالیسم ندارد. باراباش لوتمان را متهم به تناقض کرد و روش وی را (که بنا به تعبیر او، تفسیری درون‌ماندگار از الگوی هنر است) به فرمالیسم و ساخت‌گرایی مرتبط دانست. کاملاً واضح